فصلنامهٔ علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه
|| شمارهٔ ۱۹ || سال ششم || بهار ۱۴۰۱ ||
P. ISSN: 2645-5048 & E. ISSN: 2645-5706

ارتباطات تجاری میان بنادر ژاپن و ایران در عصر قاجار / میجی

سید بنیامین کشاورز[I]

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۱۵ - ۱۹۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶
شناسهٔ دیجیتال (DOI): 10.66224/PJAS.6.19.195

چکیده

از زمان شکل‌گیری راه موسوم به ابریشم، مسیر فوق رابط اصلی شرق و غرب آسیا بود که در خشکی و دریا پیش می‌رفت. با شروع عصر استعمار روند جهانی‌شدن آغاز شد و مسیر و عملکرد ارتباطات تغییرات بسیاری کردند؛ امری که در قرن نوزدهم میلادی به اوج خود رسید و در پی آن، ارتباط نزدیک ایران و ژاپن امکان‌پذیر شد. درواقع مراکز تجاری دو کشور صاحب پیشینه‌ای از دوره‌های پیش‌تر بودند، اما با اقتضاهای جدید، شرایط جدیدی نیز به‌وجود آمد. روش پژوهش مورد استفادهٔ پژوهش حاضر، مواد فرهنگی و منابع تاریخی ایرانی و ژاپنی است. در این‌راستا پرسش مقالهٔ حاضر آن است که کدام نواحی یا بنادر ژاپن و ایران در قرن نوزدهم میلادی، برای حمل‌ونقل مواد فرهنگی مورد استفادهٔ تجارت خارجی قرارگرفتند و آیا نواحی تعیین‌شده دارای پیشینه بودند و چه عواملی بر ارتباط تجاری تأثیرگذار بوده‌اند. بر این‌اساس فرضیه آن است که محصولات ساخت دورهٔ ساسانی و عصر صفوی درواقع گویای موقعیت سیاسی ژاپن و نقش تجاری دیگر ملل است تا آن‌که نمایشی از ارتباط ایران و ژاپن باشند. با این‌وجود بررسی پیشینهٔ روابط، مناطقی را در ژاپن نشان می‌دهند که مراکز اصلی تجارت دولتی بودند که همانا بنادر اُساکا و کوبه به‌سوی حوضهٔ کیوتو و نارا، بندر ناگاساکی و بنادر حوضهٔ خلیج کاناگاوا هستند که در قرن نوزدهم میلادی، نیز نقش مشابهی ایفا کردند تا تجارت از بنادر بوشهر، لنگه و عباسی ایران امکان‌پذیر باشند؛ هرچند پیش از قرن نوزدهم میلادی، تجارت موردنظر همیشه تحت‌تأثیر فرهنگ بستهٔ ژاپن قرار داشته، ولی در عصر جدید به‌خاطر فشار امپریالیسم و روند مدرنیزم دروازه‌ها گشوده شده و محصولات راهبردی چون تریاک به قلمروی امپراتوری ژاپن وارد شدند.

کلیدواژگان: ژاپن، ایران، جهانی‌شدن، دورهٔ قاجار، دورهٔ میجی.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکدهٔ حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
keshavarzseyedjavad@gmail.com

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

مقدمه

روابط بین استقرارها و جوامع انسانی از آغاز تشکیل آنان وجود داشته‌اند و بشر همواره برای کسب مسالمت‌آمیز آن‌چه نیاز داشته، به تجارت نیازمند بوده است. حال با وسعت گرفتن قلمروی جوامع و افزایش پیچیدگی آنان، مسیرهای ارتباطی-تجاری نیز متناسب با امر فوق تحول پیدا کردند و به‌مرور مسافت‌های دورتر و طویل‌تری را پوشش دادند و تجارت بین‌المللی گردید. حال شاید مشهورترین شاهراه دوران باستان همانا راه موسوم به «ابریشم» باشد که هم‌چون هر مسیر تجاری دیگری هم از مسیر بری و هم بحری بهره می‌برد و این به‌خصوص برای شبه‌جزایر و مجموعه جزایری که در مسیر آن قرار داشتند، صادق است. پس در دوران باستان چنان‌که در پژوهش حاضر نیز نشان داده شده، غرب آسیا به شرق آسیا از راه ابریشم مرتبط شده بود، اما از قرن شانزدهم میلادی، و آغاز عصر استعمار دولت‌هایی چون پرتغال و هلند به‌سوی شرق آمدند و مسیر تجاری خود را تا ژاپن امتداد دادند و در این بین قرارگاه‌های خود را پایه گذاشتند؛ از این‌رو، تجارت دریایی می‌رفت که اهمیت دوچندان بیابد. به‌علاوه شرق و غرب در این شکل جدید تجارت، وارد موازنهٔ جدیدی نیز شدند. روند فوق در قرن نوزدهم میلادی، اوج گرفت و نظم جدید جهانی که دُوَل امپریالیست غربی ایجاد کرده بودند، غالب گردید؛ دُوَلی که جهان را تحت‌کنترل داشتند و ثروت آن را بر اقتضای نیاز جابه‌جا و منتقل می‌کردند؛ از این‌رو است که می‌توان گفت روند جهانی‌شدن درحقیقت از همین قرن آغاز شد؛ روندی که تأثیرات اساسی و غیرقابل بازگشت از هرلحاظ بر تمام ملل دنیا نهاد و باعث شد «اصلاحات ناصری» در ایران و «انقلاب میجی» در ژاپن روی دهند تا دُوَل موردنظر را مدرن کنند و در نتیجه بتوانند در معادلهٔ تجاری و سیاسی جهانی نقش ایفا نمایند.

پرسش پژوهش: پرسش پژوهش حاضر این است که کدام نواحی یا بنادر ژاپن در عصر میجی/قاجار برای حمل‌ونقل مواد فرهنگی مورد استفاده تجارت بین‌الملل بوده‌اند، نواحی تعیین‌شده دارای چه پیشینه‌ای بودند؟ کدام بنادر ایران برای تجارت استفاده می‌شدند و چه عواملی بر ارتباط موردنظر تأثیرگذار بوده‌اند؟ حال فرض پژوهش حاضر بر آن است که بنادر یا نواحی دارای ارتباط با راه دریایی ابریشم مناطقی بوده است که به بدنهٔ اصلی آسیا نزدیک هستند یا نزدیک‌ترین به مقر حکومتی یا دولتی محسوب می‌شده‌اند؛ از این‌رو حوضهٔ «ناگاساکی» (Nagasaki)، «اُساکا» (Osaka) و «یوکوهامای» (Yokohama) امروز مدنظر هستند؛ بنابراین می‌توان انتظار مواد فرهنگی و نوشتار ارتباطی در باب شمال کیوشو و مسیر منتهی به ولایات «یاماتو» (Yamato)، «یاماشیرو» (Yamashiro) و «کانتو» (Kanto) را داشت، اما ارتباط به‌دلیل مسائل سیاسی-اجتماعی داخلی ژاپن که تحت‌تأثیر فرهنگ «بسته» ایشان است تا دوران مدرن محدود بوده است. از آن زمان به‌خاطر فشار سیاسی دُوَل امپریالیست ژاپن دروازه‌های خود را رو به جهان گشود و فرصت مبادلهٔ مستقیم با ایران فراهم شد. به‌علاوه بنادر مورد استفادهٔ ایران باید شاخص‌ترین آنان، یعنی بوشهر و بندرعباس به‌همراه لنگه باشند.

روش پژوهش: آن‌چه مورد استفادهٔ پژوهش حاضر است، مواد فرهنگی و منابع تاریخی ایرانی و ژاپنی است؛ از این‌رو، رویکرد تاریخی اجتماعی برای مقالهٔ حاضر مناسب دیده شده است. به‌همین دلیل روش منافع مناسب است که تعاملات تاریخی و فرهنگی را در چارچوب فکری جامعهٔ موردنظر می‌بینند؛ هرچند به‌دلیل آن‌که تمام مفاهیم و اهداف پژوهش حاضر درراستای مطالعات قرن نوزدهم‌شناسی است، بررسی دو طرف رابطه و شرایط کلی بین‌الملل الزامی دانسته شد.

پیشینهٔ پژوهش

بنابر آن‌چه گفته شد معلوم است تحقیقات چندی در ایران انجام نگرفته است و نمونه‌های مشابه تنها متوجه چین بوده‌اند؛ با این‌وجود تحقیقات در باب ژاپن مدتی است که جریان دارند. از میان کتب، می‌توان نخستین کتاب در باب تاریخ جامع ژاپن نوشته‌شده به فارسی توسط «هاشم

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

رجب‌زاده» با موضوع تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر (رجب‌زاده، ۱۳۶۵) و نخستین کتاب در باب آیین و اساطیر ژاپن نوشته‌شده به فارسی توسط «سید بنیامین کشاورز» با عنوان اُنمیودو: آیین و اساطیر ژاپن (کشاورز، ۱۳۹۹) را نام‌برد. دیگر تحقیقات ارزنده، مقالهٔ «روابط بازرگانی ایران و ژاپن از آغاز تا پهلوی اول» از «محمد چگینی» (چگینی، ۱۳۹۶)«انعکاس فرهنگ و تمدن ساسانی در ژاپن» از «علی محمدنیاکان» (محمدنیاکان، ۱۳۸۱) و «اقتصاد و تجارت در دوره اِدو» از «حامد مبشری» (مبشری، ۱۳۹۲) هستند؛ هرچند نباید تحقیقات قدیمی چون تحول عظیم ژاپن در قرن اخیر (رفعت، ۱۳۴۰) تاریخ منتظم ناصری (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳) و اجمال وقایع جنگ روس و ژاپون (آوانسیان، ۱۹۰۶) را به فراموشی سپرد؛ تحقیقاتی که نشان می‌دهند باوجود محدود بودن، چنین آثاری از قدمت بسیاری برخوردار هستند.

در ایران تحقیقات مربوط به قلمروهای غیراسلامی و یا منفک از اروپای غربی به‌ندرت انجام شده و از این‌رو به جست‌وجو در این حوزه نیازمندیم. جدای از آن، باستان‌شناسی سنتی اسلامی دورهٔ معاصر که شامل عصر قاجار و پهلوی است را چنان‌که در سکه‌های ایران «سرفراز و آورزمانی» معلوم است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۹۱: هشت) تقریباً به‌کل کنار زده است؛ امری که استفاده از نظرگاه قرن نوزدهم‌شناسی و روش‌های آن می‌تواند به‌خوبی جبران کند. جدای از نکات فوق باید افزود پژوهش حاضر نخستین تحقیق در رابطه با تجارت عصر قاجار ولی با تمرکز بر کشوری جز ایران است؛ به‌خصوص آن‌که این پژوهش از بررسی و تفسیر عوامل جغرافیایی در برتری و چرایی انتخاب بنادر به میزان قابل‌توجهی بهره برده است.

ژاپن، کشوری بسته

ژاپن در منتهی‌علیه شرق آسیا قرار دارد که برطبق «نیهونگی» از هشت جزیرهٔ اصلی تشکیل شده است (Yasumaro no O, 2013: 9-14)؛ یعنی به‌طور کلی، ژاپن یک مجمع‌الجزایر عظیم بوده و هزاران جزیرهٔ مسکون و غیرمسکون دیگر زیرمجموعه آن قرار می‌گیرند که کوهستانی هستند؛ پس فضای کمی در ژاپن وجود دارد (بختیاری، ۱۳۹۰: ۶۴)؛ از این‌روی تولید محصولی چون برنج حیاتی است (بارنز، ۱۳۹۰: ۲۷۴-۲۵۴) و شباهت‌های طبیعی و اجتماعی را با گیلان دارد (ناکاموا، ۱۳۹۴: ۸۱). به‌علاوه جزیره‌ای بودن ژاپن مؤلفهٔ فرهنگی بسته (و نه منزوی) رابطهٔ خودآگاه از بالا به پایین نظام اجتماعی و روحیه حماسی بسیار قدرتمند را ایجاد کرده است (کمبل، ۱۳۸۹: ۴۴۲-۴۴۱). این نکات در قدیمی‌ترین کتاب‌های باقی‌ماندهٔ ژاپن به نام‌های کُجیکی (Kojiki) (به‌معنای «گزاره‌های باستانی») و «نیهون‌گی/نیهون‌شوکی» (Nihongi/Nihonshoki) (به‌معنای «تاریخچهٔ ژاپن») که در اوایل قرن هفتم میلادی، به تحریر درآمدند، بازتاب داشته‌اند؛ آثاری که نخستین امپراتور با نام «جیمّو» (Jimmu) را به «آماتراسو» (Amaterasu)، روح معظم خورشید و در نتیجه «ایزاناگی» و «ایزانامی» (Izanagi & Izanami) که جزایر ژاپن را از فراز بهشت به‌وجود آوردند، متصل می‌کنند (Yasumaro no O: 7-108)؛ و بنابر همین مؤلفهٔ طبقاتی ژاپن است که پس از ورود گستردهٔ خصایص فرهنگ چینی، ژاپن به ساختار اشرافی بی‌مانند وارد شد (دله، ۱۳۸۲: ۴۳-۲۷؛ Adolphson, 2007 و Lamarre, 2000) در نتیجه با درنظر گرفتن اندیشهٔ حکومت بهشتی ژاپن، ارتباط با چین که ادعای دریافت حکم بهشتی داشت، به‌شدت محدود و مخدوش گردید (ترنبول، ۱۳۹۴: ۱۸). امری که با قدرت رسیدن «شگون‌ها» (Shogun) در رأس دولت و ارتش ژاپن، تغییر نکرد، و این درصورتی بود که امپراتور دیگر عملاً نقشی در کشور نداشت (بیکر، ۱۳۹۴: ۱۳۵). تنها جنگ داخلی «سنگوکوجیدای» بود که با آزاد کردن اربابان ولایتی و ایالتی، روابط بین‌المللی دوباره گسترش یافت. امری که با شروع عصر «اِدو» (Edo, 1603-1868) و ظهور خاندان «تکوگاوا» (Tokugawa) که فرمان «ساکوکو» (Sakoku) را اعلام کردند، نه‌تنها محدود؛ بلکه ممنوع شد و ژاپن برای حدود ۲۵۰ سال به کشوری منزوی مبدل گردید (آندرسون، ۱۳۹۲: ۶۲۲-۶۲۱). البته عمل

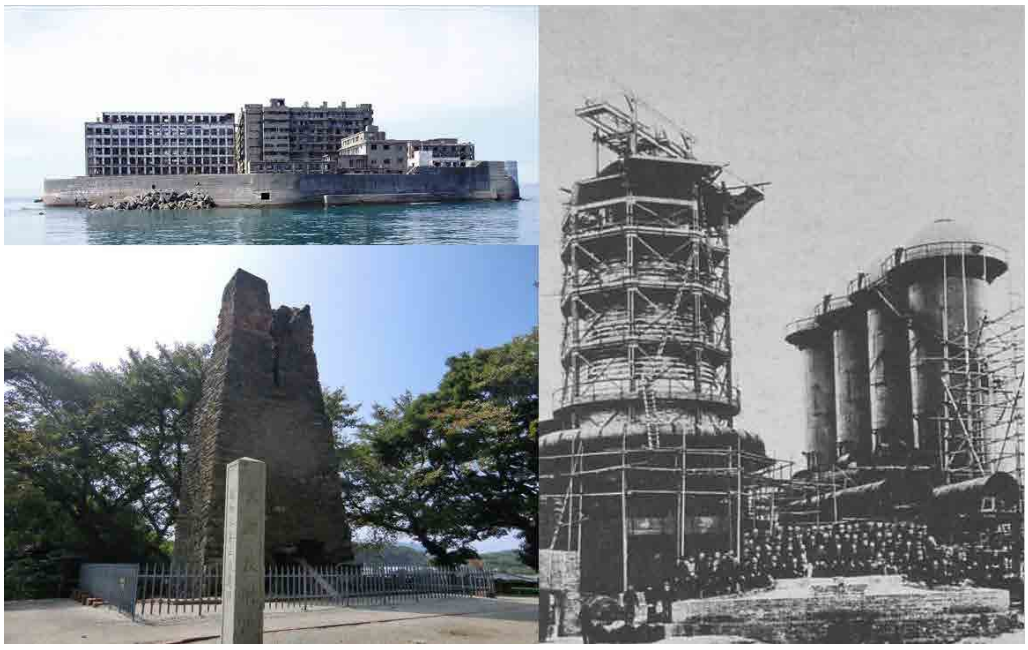
[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

نظام فوق درجهت ماندگاری خود بود و مجموعه‌ای از سیاست‌های داخلی نیز به اجرا گذاشته شدند (Jansen, 2002: 37). طی تمام این‌مدت تنها هلندی‌ها فقط در ناگاساکی حق تجارت با ژاپن را داشتند (دله، ۱۳۸۲: ۱۱۶) که این امر منجر به ورود علوم جدید نیز شد (Jansen, 2002: 261-271 & 210-215). به‌طور هم‌زمان انزوا و آرامش پس از صلح، اندیشه‌های ضد شگون و طرف‌دار امپراتور را گسترش دادند (Tsunoda, 1958: 68-69). همین‌مسأله باعث شد بنابر اصل «انقلاب هانتینگتون» (گلدستون، ۱۳۹۲: ۸۶-۷۶) پس از آشوب ورود غربیان که آمریکاییان طلایه‌دار بودند (Beasley, 2000: 64) انقلابی تحت ریاست امپراتور «بهشتی» روی دهد (Ohnuki, 1991: 6). انقلابی که تحولات عظیم داخلی (کین، ۱۳۹۷: ۷۴) و خارجی را نوید داد (رجب‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۲۶-۱۲۴). میراث تحولات این دوره، مثل کارگاه تولید آهن «هاگی» (Hagi)، معدن ذغال «هاشیما» (Hashima) و کارخانهٔ تولید آهن «یاواتا» (تصویر ۱). میراثی که در سال ۲۰۱۵ م.، به ثبت یونسکو رسید (شمارهٔ ثبت مجموعهٔ تارنماهای میجی در یونسکو: N34 25 50 E131 24 44). می‌توان برای پایان این بخش اظهار داشت عکس‌العمل‌های اجتماعی-سیاسی ژاپن و ژاپنیان نشانگر جامعه‌ای بسته، طبقاتی که براساس نجابت (و نه ازنظر مالی) مشخص شده بود، اموری که با مؤلفهٔ فرهنگی برآمده و با جغرافیا هماهنگ بود.

پیشینهٔ تجارت

پیش از اسلام: اولین ارتباط قابل‌توجه و مستقیم ایران با شرق آسیا به‌واسطهٔ جادهٔ ابریشم در ۱۱۹پ.م.، صورت‌گرفت (وثوقی، ۱۳۹۶: ۲۲-۲۱) و مواد فرهنگی مرتبط در ژاپن یافت می‌شوند. گنجینهٔ «شُسُ‌این» (Shosoin) در محوطهٔ بزرگ «نارا» متعلق به امپراتور «شُمو» (Shomu 724-749) شامل آثار شیشه‌ای و فلزی غالباً ساسانی (همان: ۱۲۲-۱۱۹)، (تصویر ۲) درکنار سفال‌های سبز-آبی (Priestman, 2016: 18-20)، (تصویر ۳) گواه باستان‌شناسی هم مسأله موردنظر ما و هم بسیاری مجهولات دیگر هستند. در کتاب نیهون‌شوکی نوشته شده به سال ۲۰۱م. «امپیراتریس جینگو»



تصویر ۱. پایین سمت چپ: کارگاه تولید آهن هاگی، بالا سمت چپ: کارخانهٔ تولید ذغال‌سنگ هاشیما و سمت راست: کارخانهٔ تولید آهن یاواتا (https://whc.unesco.org/en/list/1484).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

(Jingu 201-269). به فرمان بهشت سه پادشاهی «شیلا» (Silla)، «پکجه» (Baekje) و «کایا» (Gaya) را مطیع ساخت و حتی «اوچیتسومی‌یاکه» (Uchitsumiyake) یا وزارت قلمروهای امپراتوری را تأسیس کرد (Yasumaro no O, 2013: 191-218). کتیبهٔ «کوآنگ گائتُ» (GuangGaeto) شاه «کوگوریو» که تاریخ ۴۱۴م.، بر آن درج‌شده نیز به حملات متعدد ژاپن اشاره کرده است (بارنز، ۱۳۹۰: ۳۶۰). براساس آزمایشات عنصری که انجام شده، بسیاری از کالاهای سبک ساسانی، ازجمله فلزکاری‌های نارا، ساخت شبه‌جزیرهٔ کره و حداکثر متعلق به قرن ۸م. هستند (پورتال، ۱۳۹۱: ۱۲۲) و این درحالی است که کالاهای مشابه در شبه‌جزیره یا یافت‌نشده یا اندک‌شماری موجودند. به‌طور هم‌زمان باید به این‌امر نیز تأکید کرد که آثار برگرفته از هنر و فرهنگ ایرانی به کررات در شبه‌جزیره یافت شده‌اند (تصویر ۴). این نشان می‌دهد کالاهایی که به دربار امپراتوری فرستاده می‌شدند به‌طور ویژه به این‌منظور تولید می‌شدند و بسیار نایاب بودند چنان‌که در نیهونگی نیز چنین انتظاری از مطیعان می‌رفت (Yasumaro no O, 2013: 211-227)؛ البته منابع دیگری چون سنخیت تسلیحات سلطنتی یاماتو با کایا (بارنز، ۱۳۹۰: ۳۶۱)، (تصویر ۵) نشان بر خراج‌گذاری شاهان نیمهٔ جنوبی شبه‌جزیرهٔ کره هستند. این به خودی خود نشان بر انحصار نسبی کره بر ارتباط ژاپن با بدنهٔ اصلی قاره دارد. این درست است که طبق تصاویر ۶ و ۷ ظاهراً روابط تجاری ژاپن و کره وجود داشت، اما در آن‌صورت بسیار محدود و با تنوع پایین بوده و گزارش‌های دیگر چون: کشتی‌شکستگان (Ito, 1979: 55-63)، مهندسین ایرانی از قرون هفتم تا نهم م. (Toyoko,

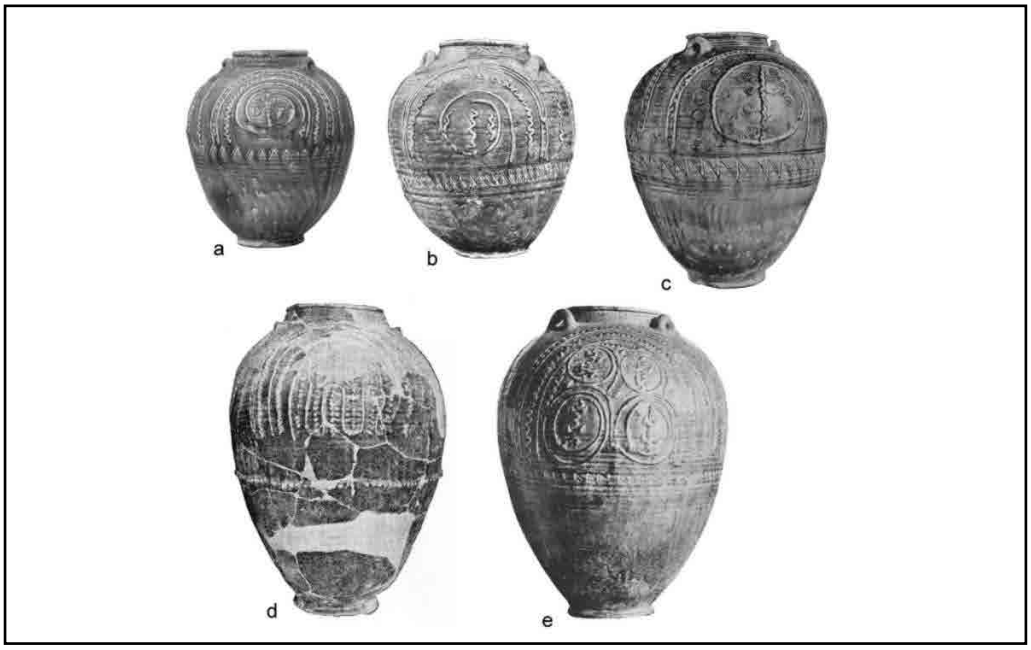


تصویر ۲. تنگ‌های شیشه‌ای، سمت راست: از محوطهٔ هم‌نم‌ده‌چون سدهٔ ۵ م.، (نگارنده، مربوط به نمایشگاه سیلا و پارس تهران)، چپ: از محوطهٔ شوسواین در نارا سدهٔ ۷ م.، (http.www.iranicaonline.orgarticlesjapan-xi-collections-of-persian-art-in-japan)؛ پایین: ظرف نقره از شوسواین در نارا (httpwww.iranicaonline.orgarticlesjapan-xi-collections-of-persian-art-in-japan).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

2008: 558)، حضور شاهدخت نیشیزاوا هیره‌کو (Nishizawa Hireku) نسل پنجاه و سوم ساسانیان (رجب‌زاده، ۱۳۸۳: ۳) و یا داستان کوش‌نامه (ایرانشان بن ابی‌الخیر،۱۳۷۷: ۷۴-۷۳) چون موارد به‌خصوصی هستند، تغییری در نتیجهٔ فوق ایجاد نمی‌کنند.



تصویر ۳. ظروف سفالین سبز آبی؛ محل کشف از چپ به راست: ایران، سیراف، شوش، بمپور، نامعلوم (Priestman, 2016: 6).



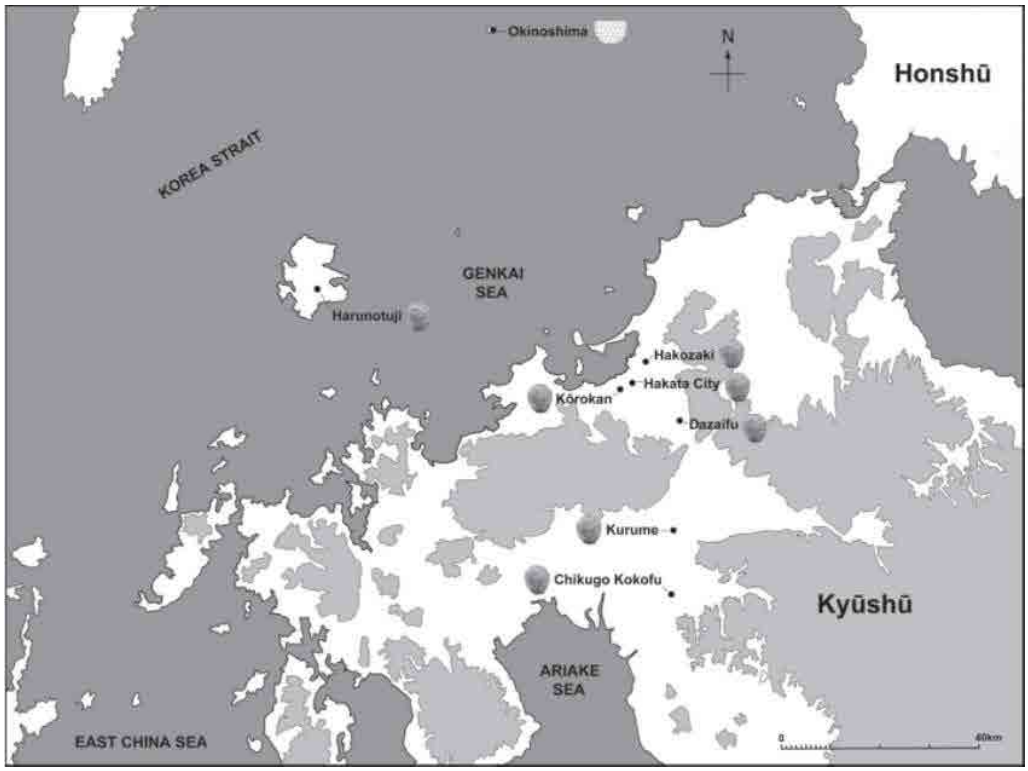
تصویر ۴. بالا سمت راست: لگام اسب از آرامگاه چان‌مه‌چون سدهٔ ۶ م.، پایین سمت راست: حاشیهٔ شیروانی سدهٔ ۸ م.؛ و سمت چپ: ستون حکاکی‌شده از محوطهٔ کوجان سدهٔ ۸ م. (نگارنده، از نمایشگاه سیلا و پارس تهران).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]



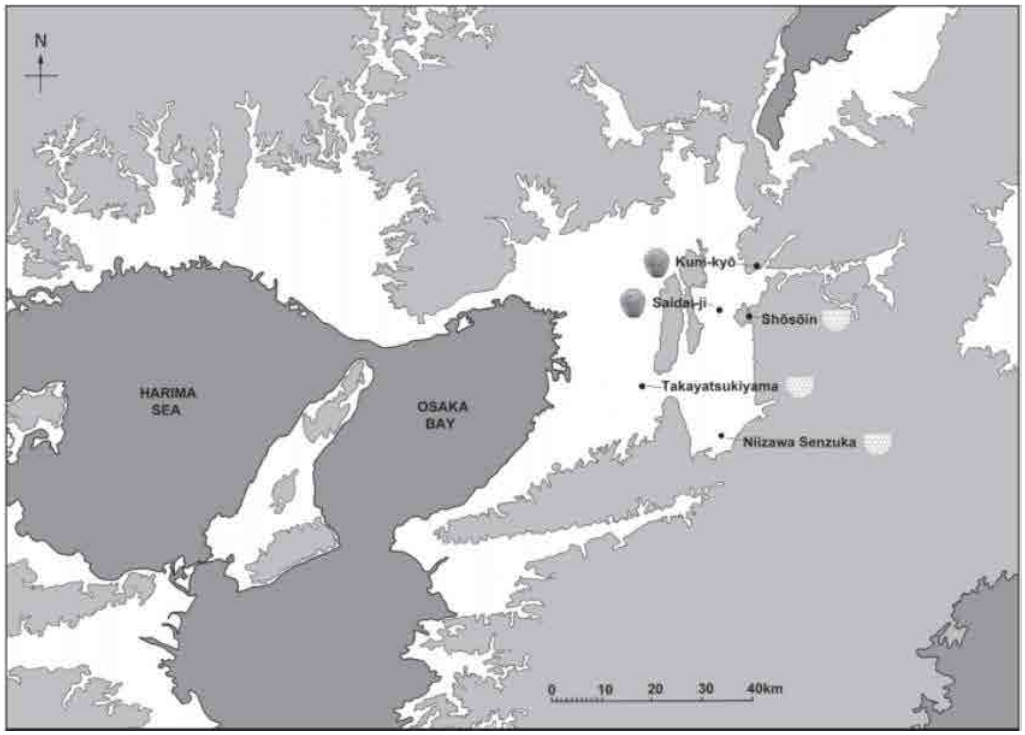
تصویر ۵. سمت راست: زره نوع یاماتو، و سمت چپ: زره یافت‌شده از کایا سدهٔ ۵ م. (https://jref.com/articles/yamato-court.197).



تصویر ۶. محل کشف سفال‌های سبز آبی و شیشهٔ ساسانی در کیوشو (Priestman, 2016: 17).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]



تصویر ۷. محل کشف سفال‌ها و شیشه‌های ساسانی در نارا و کیوتو (Priestman.2016: 20).

عصر اسلامی: در نوشته‌های چینی به‌کرات از هدایا (یا خراج) فرمانروایان ایران پس از تهاجم اعراب یاد شده است که نشان از ادامهٔ ارتباط دو قلمرو دارد (جان، ۱۳۸۵: ۸۰-۷۸)، اما به‌خاطر کاهش شدید ارتباط ژاپن به‌دلیل پایان دورهٔ خراج‌گذاری کره و افت نظر دربار نسبت به حکومت‌های چینی (ترنبول، ۱۳۹۴: ۱۸) و تحولات اجتماعی-سیاسی داخلی و خارجی شدید ژاپن، مواد فرهنگی وجود نداشته و اسناد به‌ندرت وجود دارند (Toyoko, 2008: 559). تغییر پایتخت دولتی به شهر ساحلی «کاماکورا» در استان امروزی «کاناگاوا» (Kanagawa) بر توصیفات جغرافی‌دانان جهان اسلام تأثیر گذاشت (مسعودی، ۱۹۶۶: ۳۶) و در این دوره، جغرافی‌دانان بارها از ژاپن با نام «واق» یاد کرده‌اند (برای اطلاع بیشتر از بحث ولایت واق ر. ک. به: کشاورز، ۱۳۹۸: ۲۹-۲۷؛ برای نمونه‌های مشابه از استفاده واژهٔ واق ر. ک. به: بزرگ شهریار، ۱۴۲۱: ۱۶۳؛ محمد بن نجیب بکران، ۱۳۴۲: ۹ و ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۴۱۸). می‌توان گفت تا عصر صفوی، دیگر هیچ نشان به‌خصوصی از هر نوع ارتباط معناداری بین دو کشور به‌چشم نمی‌خورد. با رسیدن تجار اروپایی به «سیام»، شاه این کشور، «نارای کبیر» (Narai. ۱۶۳۳-۱۶۵۷م) سفرای خود را به نقاط مختلف راهی کرد (Baker & Phongpaichit, 2014: 13). در این‌راستا فرستادگانی را به‌نزد «سلطان‌سلیمان» صفوی فرستاد، سلطان نیز هیأتی را راهی سفر سیام کرد که گزارشات آن باقی هستند (محمدربیع، ۱۳۵۶: ۲۲) در کتاب سفینه سلیمانی به‌شکل غیرمستقیم به طبقهٔ «بوشی» (Bushi)/ «ساموری» و ساختار اربابی و حکومت «شگون» اشاره کرده است (همان: ۱۹۰-۱۸۹)، که با ساختار عصر اِدو هم‌خوانی دارد (Jansen, 2002: 37؛ آندرسون، ۱۳۹۲: ۶۲۶-۶۲۳ و Beasley, 2000: 24). اما کتاب موردنظر، ادبیاتی مشابه عجایب‌نامه‌ها دارد؛ برای نمونه، نوشته شده که «شگون در کوه چند طبقه‌ای که بر سکویی چند طبقه زندگی می‌کند» (محمدربیع، ۱۳۵۶: ۱۹۴-۱۹۰). صحیح است که توصیف فوق به‌شیوهٔ ساخت استحکامات ژاپنی اشاره دارد (Turnbull, 2003: 4-60 و Turnbull, 2007: 6-60) و مشابه آن‌را در ارگ طلایی «اُساکا» و نقشهٔ ارگ «آکِشی» (Akeshi، تصویر ۸)، اما هم‌چنان

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

گویای عدم آگاهی نویسنده از وجود کشور ژاپن پیش از سفر خود به سیام است؛ به‌عبارت دیگر، دانش او ازطریق واسطه‌ها شکل‌گرفت. «محمدربیع» در باب محصولات تجاری ژاپن و تجارت این کشور با دُوَل غربی سخن گفته و اظهار داشته به‌دلیل اعمال ایشان دیگر کشور بسته شده و تنها هلندیان می‌توانند از «بندر» تجارت کنند (محمدربیع، ۱۳۵۶: ۱۹۶-۱۹۳). سخنان وی به رویداد «سان فلیپه» در ۱۵۹۶م. (یوسا، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۱۰۰) گشوده ماندن بندر ناگاساکی اشاره دارد. «شاردن» در باب تجارت، سخن به‌خصوصی از بنادر نمی‌زند (شاردن، ۱۳۷۲: ۵۶۲-۵۶۱). البته در این دوره مواد فرهنگی ایرانی/صفوی چون فرش و پارچه‌باقی مانده‌اند، محصولاتی که توسط تجار غربی وارد ژاپن شدند (Niponica, 2019: 7; Abe, 2015: 3-5 و Toh, 2012: 3)، (تصویر ۹). از آنجایی که مقر دولت در این دوره در «آزوچی موموياما» در «کیوتو» قرار داشت، معلوم است ازطریق بندر اُساکا وارد شده‌اند.



تصویر ۸. سمت راست ارگ اُساکا (https://www.tsunagujapan.com/its-not-just-osaka-castle-6-ways-to-enjoy-osaka-castle-park/) سمت چپ نقشهٔ ارگ آکشی (http://www.williamdelange.com/books/index.html).

عصر قاجار/میجی

روند مدرنیزم و عمل جهانی‌شدن در ایران پیش از ژاپن شروع شد؛ از این‌رو، نخست باید به تجارت و بنادر ایران با شرق آسیا و شناخت یا روابط اولیهٔ ایران از ژاپن پرداخت. به سال ۱۸۷۹م./۱۲میجی /۳۱ناصری /۱۲۹۶ هـ.ق. «ناصرالدین‌شاه» که طی سفر اروپای خود بارها با ژاپنی‌ها یا نمونه‌های بازتاب فرهنگ ژاپن دیدار کرده بود (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۱: ۲۶۱-۴۰)، در راه بازگشت وارد «سن‌پیترزبورگ» شد. در آن زمان «اِنوموتو تاکئاکی» (Enomoto Takeaki) وزیرمختار سفارت ژاپن در سن‌پیترزبورگ با شاه دیدار کرد. شاه به وی گفت مشتاق گشودن مناسبات رسمی دوستانه بین ایران و ژاپن است (نوئی‌دا، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۱). نتیجهٔ این ملاقات ارسال هیأت اول سفارت ژاپن (تصویر ۱۰) در سال ۱۸۸۰ م. /۱۲۹۷ هـ.ق. به ایران بود (فوروکاوا، ۱۳۸۲: ۱۵۴)، رویدادی که هم در وزارت خارجهٔ ایران نقل‌شده (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، اسناد مکمل، کارتن ۳۴، سند ۲۶۷) و هم «اعتمادالسلطنهٔ دوم» آن‌را نقل کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷. ج ۱: ۴۷۳)، از بازمانده‌های این هیأت سیاسی-تجاری ظروف نوع میجی است که برای نمونه به بازار آورده و چندی به شاه تقدیم شد (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۱۸۱). چندی دیگر را پیش‌تر ناصرالدین‌شاه از «نمایشگاه

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]



تصویر ۹. سمت چپ: یک نمونهٔ جین‌بائری ساخته‌شده از پارچه صفوی (https://www.iranicaon-line.org/uploads/files/japan_xi_pl2-back.jpg) سمت راست: فرش ایرانی در گیون ماتسوری (Ni-ponica, 2019: 7).

جهانی پاریس» خریداری کرده بود (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۱: ۲۰۳-۲۰۲) و «صحاف‌باشی» نیز به این مجموعه افزود (فوکوشیما، ۱۳۹۲: ۱۱۵-۱۱۴)؛ مجموعه‌ای که امروز در «کاخ گلستان» نگه‌داری می‌شود (تصویر ۱۱)؛ بنابراین رابطهٔ سیاسی رسمی بین دو کشور برقرار شد و واردات محصولات ژاپنی از بالاترین طبقه شروع شده بود؛ از این‌رو، در ادامه به تجارت عام پرداخته می‌شود.

از زمان «تیموری»، ابریشم به کالایی صادراتی برای اروپا تبدیل شده بود و با شروع «عصر عباسی» صادرات آن وارد مرحلهٔ جدیدی شد و در زمان «شاه‌عباس دوم» هر سال ۲۲۰۰۰ عدل ابریشم تولید می‌شد (اشراقی، ۱۳۷۶: ۱۹-۶). اما با شروع دوران آشوب داخلی و خارجی پس از سقوط اصفهان به‌دست «هوتکیان»، منطقاً همراه با فروپاشی اقتصاد، صنعت ابریشم‌بافی نیز سقوط کرد. در عصر قاجار، «محمدشاه» برای ترویج نوغان‌داری و صنعت ابریشم، مردم را به کاشت درخت توت تشویق کرد (فوروکاوا، ۱۳۹۲: ۴۶). در اواخر دههٔ ۱۸۵۰ م./۱۲۶۰ هـ.ق. و دههٔ ۱۸۶۰ م./۱۲۷۰هـ.ق.، تولید ابریشم ایران دچار بیماری شد. در آن زمان دولت برای درمان و از سرگیری تولید ابریشم به وارد کردن تخم ابریشم و نوغان اندیشید؛ از این‌رو، با خرید کرم ژاپنی اقداماتی برای احیاء تخم نوغان در پاریس انجام شد. (برای پیشنهاد خرید: چگینی، ۱۳۹۶: ۱۳۸؛ و برای تأیید خرید: فوروکاوا، ۱۳۹۲: ۱۳۵). تولید ابریشم بیشتر در شمال کشور و به‌طور ویژه در گیلان حفظ شد (همان: ۱۳۳). در سال ۱۸۶۶ م./۱۲۸۳ هـ.ق.، تولید ابریشم گیلان نیز نزول کرد و به یک-ششم اوج خود رسید (ابوت، ۱۳۹۶: ۳۱۳-۳۱۲). در نتیجهٔ روند فوق که درآمد دولتی را به‌شدت کاهش و روند تجارت را منفی نمود، کشت خشخاش تشویق و گسترش پیدا کرد. دلیل آن البته واردات شدید تریاک توسط چین بود؛ از این‌رو، تجارت ایران با شرق آسیا افزایش یافت؛ هرچند که تحت‌نظارت فرمانداری هندوستان انجام می‌شد (فلور، ۱۳۹۹: ۴۵۹). در مرآت‌البلدان در باب «ناحیهٔ هرمز» نوشته شده است پس از بیرون‌راندن پرتغالیان، از هرمز سنگ مرمر را هلندی‌ها بار کرده و به «بتاویه/جاوه»

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

می‌بردند تا این‌که سلطان آنجا این تجارت را ممنوع کرد، مگر نمک؛ پس نمک را بار کرده و به هندوستان، چین و ژاپن بردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷. ج ۱: ۳۰۶) و ما می‌دانیم پرتغالیان تریاک به «ماکائو» صادر می‌کردند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۶۹). این‌ها نشانی دیگر از روابط غیرمستقیم ایران با ژاپن در عصر صفوی و شناخت حاکمیت از پیشینهٔ روابط حداقل ازطریق منابع غربی دارد. به‌علاوه گفتهٔ «اعتمادالسلطنه» نشان می‌دهد بندر اصلی تجارت بین‌الملل ایران «گمبرون» یا «بندرعباسی» بوده و پیش از اصلاحات ناصری یک-سوم کل درآمد عمان از این بندر بود (Allen, 1982: 119) و چنان‌که در جدول ۱ مشخص است ازنظر ارزش تجاری در درجهٔ سوم بنادر ایران عصر قاجار قرار داشته و بندر بوشهر جای آن‌را گرفته بود. چنان‌که شرکت «ساسون» نیز ازهمین نقطه شروع کرد تا مرکزیت خود را به بمبئی منتقل کند (یه‌ناگا، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۰؛ اوکازاکی، ۱۳۶۵: ۳۶).

جدول ۱. ارزش تجارت بنادر جنوب ایران به ین سال ۱۸۷۸م (۱۲۹۵ ه.ق). (فوروکاوا، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

بنادر	صادرات به ین	واردات به ین
بوشهر	۶,۴۵۸,۴۱۱	۳,۴۷۵,۹۳۲
لنگه	۳,۱۰۷,۴۴۲/۶	۳,۸۸۴,۸۶۰/۲
بندرعباس	۶۵۷,۷۴۶/۲	۶۲۲,۶۱۸/۴
جمع	۱۰,۲۲۳,۵۷۹/۸	۷,۹۸۳,۴۱۰/۶

گزارشات دولتی ژاپن نشان می‌دهند بیشترین صادرات تریاک به شرق آسیا از بندر بوشهر انجام می‌گرفت (یه‌ناگا، ۱۳۹۲: ۱۹۵). چنان‌که «لرد بروگش» نیز گزارش کرده برای ۲۰ سال، یعنی تا ۱۸۶۰م. / ۱۲۷۷هـ.ق.، بوشهر، یگانه بندر ایران بود که برای تجارت غیرمنطقه‌ای استفاده می‌شد (بروگش، ۱۳۶۷. ج ۲: ۵۱۷). از هشت شرکت بزرگی که در باب تریاک و توتون فعالیت داشتند تنها یک عدد با بوشهر و مسیر تجاری آن ارتباط مستقیم نداشت (توحیدلو، ۱۳۹۴: ۱۴۹-۱۴۵)؛ درواقع بنابر گزارش دولت بریتانیا تا پیش از سال ۱۸۹۵م. / ۱۳۱۲هـ.ق.، از بوشهر سالی چهار تا هشت هزار بار محموله تریاک صادر می‌شد که مقصد بیشتر آنان جزیرهٔ فرمز بود (فوکوشیما، ۱۳۹۲: ۸۴). شرکت ساسون نمونهٔ خیلی خوبی است که نشان می‌دهد باوجود کنترل حمل و نقل توسط بریتانیا، دست‌کم تجارت با چین به‌طور مستقیم انجام می‌شد. تاجر «نمازی» که از عاملین اصلی صادرات تریاک به «فرمز» بود و از این‌رو بیشترین صحبت دولت ژاپن با وی بود (یه‌ناگا، ۱۳۹۲: ۲۰۱-۱۹۳)، مانند تجار دیگر، در چین شعبه داشت و حضور تجار ایرانی معمول بود (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۰۲ و ۱۰۸)؛ با درنظر گرفتن این‌امر که ناصرالدین‌شاه با سفرای ژاپن در اروپا ملاقات کرد و «ایلچیان» و دیگر مأموران این کشور به ایران آمدند، معلوم است روابط مستقیماً برقرار بودند به‌خصوص از فتح تایوان توسط ژاپن در ۱۸۹۵م. / ۱۳۱۲هـ.ق. (کین، ۱۳۹۷: ۲۳۰-۲۲۵) که تجارت تریاک ایران را به ژاپن منتقل کرد؛ هرچند با آغاز قرن بیستم میلادی، «محمره» نیز وارد تجارت شد (یه‌ناگا، ۱۳۹۲: ۲۰۲) و نیروی دریایی ژاپن طی جنگ جهانی اول در آبادان سوخت‌گیری می‌کردند (نوئی‌دا، ۱۳۹۴: ۲۶)؛ اما داده‌های فوق نشان از محدودیت بالای مناطق مذکور داشته و گزارشات گمرکی نشان از واردات محصولات عموماً غیرکاربردی از ژاپن به بوشهر و بندرعباس دارند و نه محمره؛ درحالی که ژاپن به‌خاطر جنگ جهانی اول قدرت اقتصادی بیشتری کسب کرده بود (دیکینسون، ۱۳۹۳: ۳۶۶-۳۵۰).

چنان‌که گفته شد تا ظهور آمریکاییان، یگانه بندر گشودهٔ ژاپن ناگاساکی بود، اما از آن پس به‌مرور شرایط تغییر کرد. با وجود مقاومت اولیهٔ شدید ژاپن دربرابر بریتانیا، روسیه و هلند، آزاد اعلام شدن

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

ناگاساکی و «هاکوداته» (Hakodate) را در ۱۸۵۷م ./ ۱۲۷۴هـ.ق.، کسب کردند و سال بعد ت«ونزند هریس» فرمان گشوده شدن بنادر کاناگاوا/یوکوهاما از ۱۸۵۹م. / ۱۲۷۶هـ.ق.، «نی‌ای‌گاتا» از ۱۸۶۰م. / ۱۲۷۷هـ.ق.، و «هیوگو/کوبه» (Hyogo/Kobe) از ۱۸۶۳م. / ۱۲۸۰هـ.ق.، را گرفت؛ به‌علاوه خارجیان باید در اِدو/توکیو و اُساکا پذیرفته می‌شدند و و «شیمُدا» (Shimoda) بر بنادر پیش‌تر گشوده شده، اضافه شد و شمار بنادر مورد استفاده برای تجارت جهانی به هشت عدد رسید (Beasley, 2000: 57). اما ۱۸۷۴م. / ۱۲۹۱هـ.ق.، در نتیجهٔ مأموریت «ایواکورا تومومی» (Iwakura Tomomi) به‌منظور حذف کاپیتالیسیون که شگون به غربیان اهدا کرده بود، کل کشور امپراتوری به‌روی جهانیان باز شد (رفعت، ۱۳۴۰: ۲۵۳)، در بخش بعد به مسألهٔ اهمیت و موقعیت بنادر ژاپن پرداخته می‌شود، ولی باید گفت مشخصاً برای تجارت محدود با کشوری چون ایران که تنها شرکت‌های بزرگ و دولت قادر به پذیرش هزینه و خطر آن هستند تنها بنادر اصلی مانند یوکوهاما باید مدنظر قرار بگیرند؛ چنان‌که ظروف نوع میجی کاخ گلستان نیز ازطریق یوکوهاما صادر شدند و حتی در ایران نیز بنادر اندکی برای تجارت با ژاپن استفاده می‌شدند؛ بنابراین می‌توان گفت تمرکز بر سه منطقهٔ تجاری است. درواقع حتی دو ناحیه به مرکزیت دو پایتخت ژاپن، کیوتو و توکیو ازطریق بزرگراه «توکایدو» (Tokaido) به یکدیگر متصل بودند. مسیر راه آهن و جادهٔ شوسه نیاز به معرفی و بحث ندارند، اما نمایش راه خاکی ساخته‌شده در عصر اِدو از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار است. بهترین و یکی از مشهورترین مواد فرهنگی و منابع نوشتاری شناسایی تمام ایستگاه‌های جادهٔ توکایدو و امور شاخص مرتبط با آنان باسمه‌های عصر اِدو هستند. استاد بزرگ نقاشی، «اوتاگاوا هیروشیگه» (Utagawa Hiroshige) «مانگا» (Manga) یا مجموعه تصاویر باسمه‌ای دارد با عنوان «پنجاه و سه منظر از ایستگاه‌های توکایدو» که پس از نخستین سفرش در توکایدو به سال ۱۸۳۳م. / ۱۲۴۷هـ.ق.، آن‌را تهیه کرد و همین مجموعهٔ بی‌نظیر برای شکل ۱۷ به‌کار رفته‌اند (Utagawa, 1969: 2-92). به‌طور قطع از آن‌رو که آثار هیروشیگه بسیار به دورهٔ موردنظر پژوهش حاضر نزدیک است، دارای مزیت بالایی است.



تصویر ۱۰. سمت راست: یوشیدا ماساهارو (Yoshida Masaharo) (۲-۲۵-۳۰۲ ثبت موزه کاخ گلستان)، و سمت چپ: فوروکاوا نوبویوشی (Furukawa Noboyushi) (۱-۲۵-۳۰۲ ثبت موزه کاخ گلستان) دو عضو بلندپایه هیأت اول ژاپن به ایران.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]



تصویر ۱۱. سه ظرف از مجموعه ظروف نوع میجی کاخ گلستان (نگارنده، ۱۴۰۰).

بحث و تحلیل در موقعیت بنادر

باوجود عدم تأیید ارتباط تجاری ژاپن در عصر ساسانی می‌توان از این‌طریق حوزه‌های تجارتی خارجی اولیهٔ ژاپن را شناسایی کرد. مناطقی که در تصاویر ۶ و ۷ به‌عنوان سواحل مراودات دیده می‌شوند، امروز استان‌های «فوکواُکا» (Fukuoka)، «ساگا» (Saga) و اُساکا هستند. با نگاهی به سواحلی که در تصاویر موردنظر مشهود هستند، نه‌تنها حوضهٔ خلیج اُساکا و دریای «گِنکای» (Genkai)، بلکه به سمت شرق، دریای «آریاکه» (Ariake) و حتی فراتر به‌سمت دریای شرقی چین هنوز اشکال ساحلی مناسب و حتی بهتر برای بندرسازی تنها در شمال کیوشو به‌چشم می‌خورند و باید گفت استان و شهر «ناگاساکی» (Nagasaki) امروز در منطقهٔ موردنظر قرار دارد (تصویر ۱۲)؛ یعنی از دید جغرافیایی، درنظر گرفتن شمال جزیرهٔ کیوشو (که دقیقاً روبه‌روی شبه‌جزیره کره، نزدیک‌ترین بخش از بدنهٔ اصلی آسیا به جزایر ژاپن است) به‌عنوان مبدأ و مقصد تجار امری طبیعی محسوب می‌شود. خلیج اُساکا نیز مکانی فوق‌العاده برای بندرسازی است چنان‌که امروز دو متروپلیس بندری اُساکا و کوبه درهمین ساحل شرقی قراردارند. دلیل توجه به این ناحیهٔ خاص نزدیکی به ولایات امپراتوری آسمانی یاماتو و یاماشیرو/کیوتو باستانی است. کما این‌که ولایات موردنظر به‌دلیل داشتن دشت‌های پست موقعیت کم‌نظیری در ژاپن کوهستانی برای کشاورزی و در نتیجه رشد جمعیت ایجاد کرده‌اند. جایی‌که امروز استان «نارا» (Nara)، بخش جنوبی «کیوتو» (Kyoto) و غربی «شیگا» (Shiga) است، یعنی جایی‌که پایتخت‌های ژاپن از زمان تأسیس امپراتوری، از پایتخت‌های موقت یاماتو گرفته تا مگاپلیس‌های نارا و کیوتو در آن قرار داشته‌اند؛ درواقع کیوتو به‌معنای «ابرشهر» پایتخت است، جایی‌که امروز یکی از پایتخت‌های دوگانهٔ ژاپن به‌حساب می‌آید. به‌خوبی می‌توان تصور کرد بارهای ساسانی پادشاهی شیلا در «پوسان» سوار کشتی شده و به شمال کیوشو برده شده و تخلیه می‌شدند. سپس مابقی محصولات که بیشتر خراج بودند به‌سمت خلیج اُساکا رفته و برای کاخ امپراتوری برده می‌شدند. «کاماکورا» که در عصر کاماکورا پایتخت دولت بود (Kamakura. 1185-1333) و امروز درکنار خلیج کاناگاوا قرار دارد، به‌عنوان مرکزیتی که برای ناحیهٔ «کانتو» داشت در تجارت اهمیت به‌سزایی داشت؛ اما چنان‌که گفته شد در رابطه با موضوع مقالهٔ حاضر مطرح نبوده و ناحیهٔ موردنظر جلوتر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بنابر آن‌چه در رابطه با آغاز عصر استعمار نوشته شد، می‌توان این‌طور گفت که هلندیان و پرتغالیان برای نمونه از بنادر «آمستردام» و «لیسبون» راهی اقیانوس هند می‌شدند، ممکن بود

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

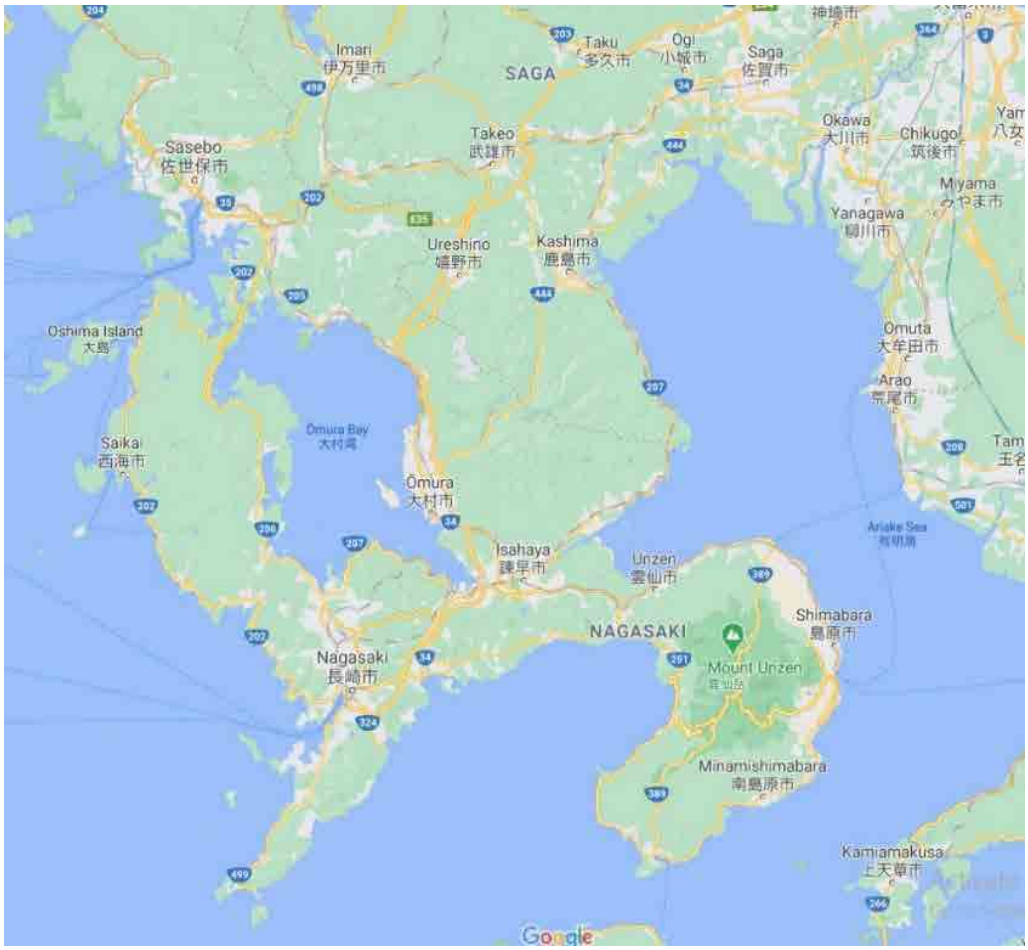
[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

برسر راه در آفریقا نیز تجارت کنند. به هرمز آمده و پس از رفتن به هند و اندونزی راهی چین و ژاپن می‌شدند. بر این‌اساس به احتمال خیلی زیاد یا مسیر غربی را برای رسیدن به ژاپن طی می‌کردند یا جنوبی که مستقیم است و از جزایر «ریوکیو» می‌گذرد. حال، چه مسیر از سمت غرب باشد و چه راه چین به ژاپن طی شود باز به ناگاساکی و دیگر بنادر دور خلیج بزرگ «اُمورا» (Omura) می‌رسند، و البته این موقعیت تا عصر قاجار نیز حفظ شده بود (ملیک‌یانس، ۱۳۹۶: ۳۸). شهر ناگاساکی، خلیجی از آن خود دارد و شرایط کوهستانی دیگر مناطق ژاپن را نداشته و توانایی گسترش و راه‌سازی بهتری دارد؛ از این‌رو، به‌راحتی به خلیج اُمورا متصل می‌شود که البته ازطریق تنگهٔ بسیار باریکی قابل دسترسی است. از این‌رو است که در دوران پیشاصنعتی، تنها ناگاساکی بندری پررونق بوده و نه اُمورا. از آنجایی‌که پایتخت سیاسی-دولتی شهر اِدو در پیش از ورود به دورهٔ طولانی ساکوکو ممکن بود تجار غربی که از جنوب می‌آمدند وارد این شهر شوند. خلیج «ساگامی»/ حوضهٔ کاناگاوا (Sagami) که در قدیم به «کاماکورا» مشهور بود، مکان خوبی برای ساخت بندر و شهر دارد؛ به‌خصوص آن‌که کوهستان مرتفعی آنجا قرار ندارد، چنان‌که ناوگان آمریکا نیز در اواسط قرن نوزدهم میلادی، به این ناحیه آمدند (Beasley, 2000: 64). اما پایتخت اِدو بوده و منطقاً تجار نزدیک‌ترین راه را انتخاب می‌کنند که در خلیج بزرگ اِدو/توکیو واقع شده است. خلیج توکیو به حوزه‌های مختلف تقسیم شده و خلیجک‌های دیگری را ساخته که به‌دلیل زمین کاملاً پست و حتی بعضاً باتلاقی برای ساخت بنادر عالی هستند. توکیو کاملاً در مسیر تجارت جهانی قرن نوزدهم میلادی، که از آمریکای شمالی تا چین کشیده شده قرار داشته؛ بنابراین به مرکزی تجاری از اروپا تا آمریکا مبدل می‌گردد. به این‌دلیل که مسیر تجاری در ژاپن اساساً دریایی است، بزرگراه تجاری به معنایی که در ذهن تداعی می‌شود تا عصر اِدو وجود نداشت؛ از این‌رو است که بنادر و ارتباط دریایی حیاتی است؛ بنابراین مسیر توکایدو که اِدو را به کیوتو و در نتیجه اُساکا و کوبه متصل می‌کرده است از اهمیت کم‌نظیری برخوردار بود. لازم به ذکر است که هر ارباب‌نشینی یا قلمروی پیشامدرن که بندری از خود داشت، می‌توانست محصولات ایرانی را وارد کرده باشد چنان‌که «هیرادو» (Hirado) اولین بندر ورودی غربیان، دولتی نبود (Abe, 2015: 3) ولی مواد فرهنگی ارائه‌شده همگی اشاره به حوضهٔ ناگاساکی، اُساکا به کیوتو و تاحدودی کاناگاوا-اِدو داشته‌اند و از آن‌رو که محصولات گران‌قیمت و تجارت غیرمستقیم بود احتمال ورود از بنادر غیردولتی بسیار کم می‌نماید؛ بنابراین در بدنهٔ اصلی ژاپن تنها سه حوزهٔ تجاری خلیج‌های اُمورا، اُساکا و کاناگاوا مورد استفادهٔ تجاری قرار گرفته بودند؛ چنان‌که تا امروز دو مورد آخر هم‌چنان بزرگ‌ترین بنادر این کشور محسوب می‌شوند. اما محصولات ایرانی در عصر قاجار، به‌خصوص تریاک نه به بدنهٔ اصلی ژاپن، بلکه تایوان که بندر و بزرگ‌ترین شهر آن «تایپه» باشد وارد می‌شد (تصویر ۱۳)، (فوکوشیما، ۱۳۹۲: ۸۵-۸۴). چنان‌که مشخص است تایپه خلیج کوچکی دارد که به‌راحتی ازطریق مسیر باریکی که از میان کوهستان می‌گذرد، قابل دسترسی است. خود شهر در دشتی پست در محاصرهٔ دیگر کوه‌ها ساخته شده؛ به‌عبارت دیگر، موقعیت عالی برای برپاسازی یک ابرشهر تجاری را دارا بوده است. در رابطه با ایران باید پیش از هر نقطهٔ دیگر به بندرعباسی و لنگه/هرمزگان نگاه کرد (تصویر ۱۳)؛ چراکه اولین نقاط مرتبط با مرکز ایران هستند که برخلاف چابهار به بیابان متصل نیستند. به‌قطع موقعیت پست بندرلنگه و قرارداشتنش در دماغه، موقعیت مناسبی به آن داده است؛ اما مشخصاً فضای شهرسازی و پیشرفت آن چندان نبوده و قادر به رقابت با فضای باز بندرعباس که درست در تنگه قرار دارد، نبوده است؛ درواقع موقعیت بندرعباس شباهت قابل‌توجهی به موقعیت توکیو و یوکوهاما دارد. اما بدون جاده‌ای بزرگ بندری که به مراکز حکومتی نزدیک‌تر باشد برای تجار برتری دارد؛ بنابراین گزینهٔ دیگر که بندر و شهر بوشهر باشد (تصویر ۱۳) مطرح می‌شود. این شهر خلیجی مشابه آن‌چه در ناگاساکی شاهد هستیم را صاحب است و به‌جز آن، فضای پست مناسب گسترش استقرار و کشتزار

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

را داراست. اما به‌جز موارد فوق باید درنظر داشت که برخلاف بندرعباس به نقاط حکومتی چون شیراز و اصفهان نزدیک‌تر است؛ به‌علاوه به‌جای بیابان وسیع کرمان و یزد خیلی زود مسافرین وارد کوهستان زاگرس می‌شوند. البته به‌جز مسائل جغرافیایی امور اجتماعی-سیاسی نیز دخیل بودند، از آن‌جمله درگیری‌های طولانی برسر بندرعباس با دولت عمان (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۱-۱۲۸) و ناامنی راه‌های شرقی به‌دلیل حملات عشایر بلوچ (ابوت، ۱۳۹۶: ۲۳۷) را می‌توان نام‌برد.



تصویر ۱۲. شبه‌جزیرهٔ ناگاساکی و دریاها و خلیج‌های اطراف (عکس از: googlemap.com).

نتیجه‌گیری

با شکل‌گیری دولت‌های عظیم عصر باستان در شرق و غرب آسیا، راه موسوم به ابریشم، دو سوی این قاره را با یکدیگر مرتبط کرد و از این‌طریق مواد فرهنگی بین ملل مختلف جابه‌جا شد و درنتیجه به‌مرور با افزایش آگاهی نسبت به یکدیگر منابع نوشتاری بیشتری نیز درباب همدیگر نگارش کردند، ولی بنابر فرهنگ و سیاست معمولاً غیررسمی درهای بستهٔ ژاپن که به‌خاطر جغرافیای جزایری شکل گرفته بود، روند فوق با اقتضاها و انتظارات معمول شکل نگرفت و باوجود افزایش پیچیدگی امپراتوری در عصرهای بعدی هم‌زمان با دوران اسلامی ایران مواد فرهنگی ظریف حتی کمتر شده و دانش نسبت به کشورهای همدیگر به‌ندرت یافت شده است. شرایط فوق با ظهور امپراتوری‌های استعماری که مسیر و اقتضاهای تجاری-اقتصادی جدیدی را با همراه آوردن پدیدهٔ جهانی‌شدن شکل دادند، تغییر عمده‌ای نمودند. بر این‌اساس مواد پراکندهٔ تجارت غیرمستقیم ایران با ژاپن و یا

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]



تصویر ۱۳. پایین سمت: چپ نقشهٔ جغرافیایی از موقعیت شهر تایپه، بالا سمت چپ: هرمزگان، و سمت راست: بوشهر (عکس از maphill.com).

برعکس در قرن نوزدهم میلادی، به ارتباط مستقیم نه‌تنها تجار، بلکه دولت‌مردان دو کشور منتهی شد که تا امروز ادامه داشته است. با این‌وجود به‌دلیل شرایط جغرافیایی ژاپن دربرابر قارهٔ آسیا همواره شمال کیوشو با مرکزیت ناگاساکی، حوضهٔ اُساکا و کاناگاوا بودند که برای رساندن کالاهای تجاری و بعضاً خراج‌های خارجی به پایتخت‌های ژاپن در این دورهٔ زمانی طولانی با جهان خارج تجارت داشتند، امری که در قرن نوزدهم میلادی، تغییر عمده‌ای نکرد، اما با گسترش قلمرو ژاپن و تصرف جزیرهٔ تایوان، تجارت این کشور با نقاط دیگر نیز گسترش یافت؛ بدون آن‌که از این‌منظر تغییر شگرفی در خاک اصلی ژاپن روی دهد. نهایتاً می‌توان گفت بنادر اصلی ژاپن در قرن نوزدهم میلادی، یوکوهاما و درواقع توکیو در درجهٔ اول و پس از آن اُساکا-کوبه و سپس ناگاساکی بودند که با بنادر بوشهر در درجهٔ اول و سپس لنگه و بندرعباس تجارت می‌کردند.

کتابنامه

- آوانسیان، کاراپت، (۱۹۰۶). اجمال وقایع جنگ روس و ژاپون. جلفا: کتابخانه شخصی.
- آندرسون، پری،(۱۳۹۲). تبارهای دولت استبدادی.حسن مرتضوی، تهران: ثالث.
- ابراهیمی‌نژاد، بدرجهان، (۱۳۹۲). ایران و عمان در دورهٔ ناصری ۱۸۴۸-۱۸۹۶ م. تهران: خانهٔ کتاب.
- ابوالفدا بنی‌ایوب، (۱۳۴۹). تقویم‌البلدان. ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوت،کیث‌ادوارد، (۱۳۹۶). شهرها و تجارت ایران در دورهٔ قاجار: گزارش کنسول ابوت از اقتصاد و جامعهٔ ایران ۱۸۶۶-۱۸۴۷ م. ترجمهٔ سیدعبدالحسین رئیس‌السادات، تهران: امیرکبیر.
- اشراقی، احسان، (۱۳۷۶). «اهمیت تجارت ابریشم در زمان صفویه». فصلنامه ایران‌شناخت. شمارهٔ ۵. صص: ۱۵۱-۱۳۱.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، (۱۳۶۳). تاریخ منتظم ناصری. دورهٔ سه جلدی. محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، (۱۳۶۷). مرآت‌البلدان. جلد ۱. به‌کوشش: عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- اوکازاکی، شوکو، (۱۳۶۵). قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ ایران. ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده، تهران: آینده.
- ایرانشان بن ابی‌الخیر، (۱۳۷۷). کوش‌نامه. ترجمهٔ جلال متینی، تهران: علمی.
- بارنز، جینا ال، (۱۳۹۰). خاستگاه تمدن در آسیای شرقی. ترجمهٔ زهرا باستی، تهران: سمت.
- بروگش، هنریش، (۱۳۶۷). سفرنامهٔ ایلچی پروس در ایران: سفری به دربار سلطان صاحبقران ۱۸۵۹-۱۸۶۱. جلد دوم، تهران: اطلاعات.
- بختیاری، سعید؛ و واحد پژوهش و تألیف گیتاشناسی، (۱۳۹۰). اطلس جامع گیتاشناسی: راهنمای کامل جهان امروز. تهران: مؤسسهٔ جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- بزرگ بن شهریار النلخدا الرامهرمزی، (۱۴۲۱). عجائب الهند بر و بحر و الجزیره. ابوظبی: المجمع الثقافی.
- بیکر، جان استنلی، (۱۳۹۴). هنر ژاپن، ترجمهٔ نسترن پاشایی، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- پورتال، جین، (۱۳۹۱). هنر و باستان‌شناسی کره. ترجمهٔ داود طبایی، تهران: پژوهشکدهٔ هنر.
- توحیدلو، سمیه، (۱۳۹۴). حیات اقتصادی ایرانیان در دورهٔ مشروطه. تهران: هرمس.
- ترنبول، استیون، (۱۳۹۴). سامورایی: کتاب راهنمای جنگجوی ژاپنی. ترجمهٔ فرید جواهرکلام، تهران: ققنوس.
- جان، سین لیان، (۱۳۸۵). تاریخ روابط چین و ایران: از روزگار اشکانی تا شاهرخ تیموری. ترجمهٔ جان هون نین، تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری.
- چگینی، محمد، (۱۳۹۶). «روابط بازرگانی ایران و ژاپن از آغاز تا پهلوی اول». فصلنامهٔ تاریخ روابط خارجی، سال ۱۸، شمارهٔ ۷۰، تهران: وزارت امور خارجه.
- دله، نلی، (۱۳۸۲). ژاپن روح گریزان. ترجمهٔ ع پاشایی، تهران: روزنه.
- دیکینسون، فردریک آر، (۱۳۹۳). ژاپن امپریالی و جنگ بزرگ. در نبرد امپراتوری‌ها. ترجمهٔ پرویز دلیرپور، تهران: کویر.
- رجب‌زاده، هاشم، (۱۳۶۵). تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر: نگاهی به زمینه و مایه‌های فرهنگ و تمدن امروز سرزمین آفتاب. تهران: گاندی.
- رجب‌زاده، هاشم، (۱۳۸۳). ایران پژوهشی در ژاپن: کتاب‌ها و مقاله‌های تازه. اوساکا: ایران‌شناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا.
- رجب‌زاده، هاشم، (۱۳۹۶). تجدد ژاپن. تهران: جهان کتاب.
- رفعت، یدالله، (۱۳۴۰). تحول عظیم ژاپن در قرن اخیر. تهران: ناشر مؤلف.
- شاردن، ژان، (۱۳۷۲). سفرنامهٔ کامل شاردن. ترجمهٔ اقبال یغمایی، تهران: توس.
- عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران. ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: گستره.
- کشاورز، سیدبنیامین، (۱۳۹۸). «ارتباط تجاری ایران عصر قاجار و ژاپن عصر میجی و تایشو». پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشرنشده).
- کشاورز، سیدبنیامین، (۱۳۹۹). اُنمیودو: آیین و اساطیر ژاپن با نگاه باستان‌شناختی. تهران: چشم ساعی.
- کمبل،جوزف، (۱۳۸۹). اساطیر مشرق زمین. ترجمهٔ علی‌اصغر بهرامی. تهران: جوانه رشد.
- کین، دونالد، (۱۳۹۷). میجی امپراتور ژاپن و دنیای او (۱۸۵۲-۱۹۱۲). ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده، تهران: جهان کتاب.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

- گلدستون، جک، (۱۳۹۲). مطالعات نظری تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها. ترجمهٔ محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- فلور، ویلم، (۱۳۹۹). کشاورزی ایران در دوره قاجار. ترجمهٔ شهرام غلامی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فوروکاوا، نوبویوشی، (۱۳۸۲). سفرنامهٔ فوروکاوا: عضو هیئت اجرایی نخستین سفارت ژاپن به ایران در دورهٔ قاجار. ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه‌اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فوکوشیما، یاسوماسا، (۱۳۹۲). سفرنامهٔ ایران و قفقاز و ترکستان. ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه‌اورا، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۹۶۶). اخبار الزمان و من آباد الحدثان. بیروت: دارالاندلس للطباعه.
- مبشری، حامد، (۱۳۹۲). « اقتصاد و تجارت در دورهٔ اِدو (۱۸۶۷-۱۶۰۳)». مقالات دانشجویی، مرکز مجازی مطالعات ژاپن.
- محمدربیع بن محمد ابراهیم، (۱۳۵۶). سفینه سلیمانی. تهران: دانشگاه تهران.
- محمدبن نجیب بکران، (۱۳۴۲). جهان‌نامه. تهران: ابن‌سینا.
- محمدنیاکان، علی، (۱۳۸۱). «انعکاس فرهنگ و تمدن ساسانی در ژاپن». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره‌های متوالی ۵۶ و ۵۷، صص: ۱۴۳-۱۳۹.
- مخبرالسلطنه، مهدیقلی‌خان، (۱۳۶۸). سفرنامهٔ مکه. به‌کوشش: سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: تیراژه.
- ملیک‌یانس، ماطه‌وس‌خان، (۱۳۹۶). مملکت شمس طالع یا دولت ژاپن. ترجمهٔ احمد نیانور، تهران: مؤسسهٔ پژوهشی فرهنگ و دانش.
- ناصرالدین‌شاه قاجار، (۱۳۷۱). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان. به‌کوشش: محمداسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، ج ۲، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ناکامورا، نائوکیچی، (۱۳۹۴). سفرنامهٔ ناکامورا نائوکیچی مسافر فقیر ژاپنی در ایران ۱۳۲۹هـ.ق./۱۹۰۲م. . ترجمهٔ هاشم رجب زاده و کینجی ئه‌اورا، تهران: طهوری.
- نوئی‌دا، ئی‌شیرو، (۱۳۹۴). دیدار ایران و بین‌النهرین در پنج سفرنامه ژاپنی‌های دیدارکننده از ایران دههٔ ۱۹۲۰ میلادی-۱۳۰۰ خورشیدی. ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه‌اورا، تهران: طهوری.
- یوشیدا، ماساهارو، (۱۳۷۳). سفرنامه یوشیدا ماساهارو: نخستین فرستاده ژاپن به ایران دورهٔ قاجار ۱۲۹۷-۹۸ هـ.ق. . ترجمهٔ هاشم رج زاده و کینجی ئه‌اورا، تهران: آستان‌قدس رضوی.
- یه‌ناگا، تویوکیچی، (۱۳۹۲). سفرنامه یه‌ناگا تویوکیچی در ایران و آناطولی ۱۸۹۹/۱۳۱۷: ژاپن و تجارت تریاک در پایان قرن نوزده به پیوست گزارش رسمی یه‌ناگا دربارهٔ تریاک ایران و گزارش سفر و مأموریت کوبوتاشیروء در ایران. ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه‌اورا، تهران: طهوری.
- وثوقی، محمدباقر، (۱۳۹۶). میراث دریانوردان ایرانی در بنادر چین: بنادر گوانجو، چوانجو، خوانجو. تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری.
- یوسا، میچیکو، (۱۳۹۶). دین‌های ژاپنی. ترجمهٔ حسن افشار، تهران: مرکز.

- Abbot, K. E., (2017). *Iranian cities and trade in Qajar period: Consul Abbot's report of Iranian economy & society 1847-1866*. Seyed Abdolhoseyn RaisolSadat. Tehran: Amir Kabir.

- Abe, K., (2015). "Mapping Safavid Iran". *Studia Culturae Islamicae No. 105, Research Institute for Languages and Cultures of Asia and Africa*, Tokyo University of Foreign Studies, Pp: 223-241.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

- Abolfada bani Ayyub. (1971).*Taqvimolboldan.Abdolhamid Ayati.* Tehran: Bonyad Farhang Iran.

- Adolphson, M., (2007). Heian Japan: centers and peripheries. Honolulu: University of Hawaii.

- Ali ibn Hoseyn al Masudi, (1966). *Akhbarol Zaman va men Abadol Hadathan*. Beirut: Darolandalos altabae.

- Allen, C. H., (1982). *The state of Masgat in the Gulf and east Africa 1785-1829.* Cambridge: Cambridge university.

- Anderson, P., (2013). *lineages of the Absolutist state.Hasan Mortazavi.* Tehran: Thaleth.

- Avanesian, K., (1906). *A summary of Russo-Japanese war events.* Jolfa: personal library.

- Baker, Ch. & Phongpaichit, P., (2014). A history of Thailand. London: Cambridge University.

- Bakhtiari, S. & Unit of research and writing of GitaShenasi, (2012). *General Atlas: a complete guide to today world.* Tehran: institute of Geography & Cartography of Gitashenasi.

- Barnes, G. L., (2012). *The rise of civilization in China*. Korea & Japan.Zahra Basti, Tehran: Samt.

- Beasley, W. G., (2000). *The rise of modern Japan, Polotical, Economic and social change since 1850.* Palgrave Macmillan.

- Bozorg ibn Shahriar ol Nakhoda al Ramhormozi, (2000). *Ajayebol Hend barr o Bahrol Jazire.* Abuzabi: Almajmaol Saqafi.

- Brugsch, H. K., (1368). *The journey of Prussian legate in Persia: a journey to court of Sultan the owner of century 1859-1861.* Vol 2, Tehran: Ettelaat.

- Cambell, J., (2010). *Oriental mythology.* Ali Asghar Bahrami, Tehran: Javane Roshd.

- Chardon, J., (1993). *Complete journey of Chardon.* Eqbal Yaghmai, Tehran: Tus.

- Chegini, M., (2018). "Trade relation of Iran & Japan from beginning to early Pahlavi era". *Seasonal journal of foreign relation*, Vol. 18, No. 70 .Tehran: Foreign Ministry.

- Delay, N., (2003). *Japan: the fleeting spirit.* A Pashai, Tehran: Rozane.

- Dickinson, F., (2014). *Imperial Japan and the great war, in empires at war.* Parwiz Dalirpur, Tehran: Kavir.

- Ebrahimi Nezhad, B. J., (2013). *Iran and Oman in Naserid era 1848-1896*. Tehran: Khane Ketab.

- Eshraqi, E., (1997). "The importance of silk trade during Safavid era". *Iran Shenakht*, No. 5, Pp: 131-151.

- Etemadossaltane Mohammad Hasan Khan, (1985). *Naseri orderly chronicles*. Three Volumes, Mohammad Esmail Rezwane, Tehran: Donya Ketab.

- Etemadossaltane Mohammad Hasan Khan, (1989). *Meratolboldan.* Vol 1, Abdolhoseyn Navai & Mirhashem Mohaddes, Tehran: Tehran University.

- Floor, W., (2020). *Agricultural in Qajar.* Shahram Gholami, Tehran: Elmi va Farhangi.

- Fukushima, Y., (2013). *journey to Iran, Caucasia and Turkestan*. Hashem Rajabzade & Kinji eura,Tehran: office of cultural research.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

- Furukawa, N., (2003). *Furukawa's journey: The executive member of first Japanese legate to Iran in Qajar era.* Hashem Rajabzade & Kinji eura, Tehran: Anjoman Asar va Mafakher Farhangi.

- Goldstone, J., (2013). *Revolutions: Theoretical, comparative and historical studies*. Mohammad Taqi Delafruz. Tehran: Kavir.

- Iraneshan ebn Abilkheyr, (1999). *Kushname.Jalal Matini*. Tehran: Elmi.

- Isawi, C., (1983). *Economic history of Iran.* Yaqub Azhand, Tehran: Gostare.

- Ito, G., (1979). *Zoroastrian's arrival in Japan in Oriento 15.* Tokyo, Orient publish.

- Jansen, M. B., (1989). *The Cambridge history of Japan: colume 5 the Nineteenth century.* Cambridge: Cambridge University.

- Jansen, M. B., (2002). *The making of modern Japan.* Cambridge: Harvard University.

Univesity.

- Keene, D., (2017). *Meiji: Emperor of Japan & his world (1852-1912).* Hashem Rajabzade, Tehran: Jahan Ketab.

- Keshavarz, S. B., (2018). "Trade relation of Iran in Qajar period & Japan in Meiji and Taisho eras". M.A. degree thesis. Mohammad Esmail Esmaili Jelodar, Tehran: Humanities.

- Keshavarz, S. B., (2018). *Onmyodo: faith & mythology of Japan with archaeological view.* Tehran: Cheshm Saii.

- Lamarre, T., (2000). *Uncovering Heian Japan: an Archaeology of sensation and inscription.* London: Duke University press books.

- Malik Yanes, M. K., (2017). *The realm of rising sun or State of Japan.Ahmad Nianvar.* Tehran: Institute of cultural and knowledge reaserch.

- Masudi Ali ebn Hoseyn, (1966). *Akhbarolzaman va men Abadolhadathan.* Beirut: DarolAndalos.

- Mobsheri, H., (2013). *Economy & trade in Qajar period.* Tehran.

- Mohammad ibn Najib Bakran, (1963). *Jahan name.* Tehran: Ibn Sina.

- Mohammad Niakan, A., (2002). "Reflection of Sassanid cultural and civilization in Japan". in: *Ketab Mah of history and geography*, Nos. 56 & 57, Pp: 139-143.

- Mohammad Rabi ibn Mohammad Ebrahim, (1977). *Safine Soleymani.* Tehran: university of Tehran.

- Mokhberossaltane MehdiQoli Khan, (1989). *Macca journey.* Seyyed Mohammad DabirSiaqi, Tehran: Tiraje.

- Nakamura, N., (2015). *Nakamura Naokichi journal: a journey of poor traveler in Iran 1902.* Hashem Rajab Zade & Kinji EUra.Tehran: Tahuri.

- Nasereddin Shah, (1992). *Saily diaries of Nasereddin shah during third journey to Europe.* Mohammad Esmail Rezvani & Fateme Qaziha,Tehran: organization of national documents of Iran.

- Niponica Goup, (2019). *Niponica no 24 special feature:Japanese Festivals throught the year.* Tokyo: Ministry of foreign affairs of Japan.

- Niponica, G., (2019). *Niponica no 24 special feature: Japanese Festivals through the year.* Tokyo: Ministry of foreign affairs of Japan.

- Noida, E., (2015). *Visit to Iran and Mesopotamia in five journal: Japanese visitors of Iran in 1920s.* Hashem Rajab Zade & Kinji EUra.Tehran: Tahuri.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]

- Ohnuki, E., (1991). The Emperor of Japan as Deity (Kami). Madison. University of Wisconsin.

- Portal, J., (2013). *Art & archaeology of Korea.* Davud Tabai, Tehran: Pazhuheshkade Honar.

- Priestman, S., (2016). The Silk road or the sea? Sassanian and Islamic exports to Japan. Edinburgh: University of Edinburgh.

- Raf'at, Y., (1961). *Great transition of Japan in current century.* Tehran: Self-publish.

- RajabZade, H., (1987). *History of Japan from beginning to contemporary: a view to concepts & cultural aspects and current civilization of land of Rising sun.* Tehran: Gandhi.

- RajabZade, H., (2004). *Iran research in Japan: new books and articles.* Osaka: Iranology Osaka university of foreign studies.

- RajabZade, H., (2017). *Modernity of Japan.* Tehran: Jahan Ketab.

- Stanley Baker, J., (2016). *Japanese art.* Nastaran Pashai, Tehran: Institution of Essay, Translation & Publication of Artworks.

- Toh, S., (2012). "Collections of Persian art in Japan". in: Encyclopædia Iranica, XIV/5, Pp: 571-574

- Tohidlu, S., (2015). *Economic life of Iranians in constitution era.* Tehran: Hermes.

- Toyoko, M., (2008). Iranians in Japan. London: Iranica.

- Tranbul, S., (2016). *Samurai: a guide book to Japanese warrior.* Farid Jawaher Kalam, Tehran: Qoqnus.

- Tsunoda, R., (1958). Sources of Japanese tradition. New York: Columbia UP.

- Turnbull, S., (2003). Japanese castles 1540-1640. Liverpool: Osprey.

- Turnbull, S,. (2007). Japanese castles in Korea 1592-98. Liverpool: Osprey.

- Ukazaki, S., (1986). *The great femaine of Iran in 1288.* Hashem Rajabzade, Tehran: Ayande.

- Utagawa, H., (1969). *The 53 stations of the Tokaido: master woks of Ukiyoe.* London: Kodansha international.

- Vothuqi, M. B., (2016). *Iranian sailors heritage in the Chinese ports: ports of Guangzhou, Quanzhou and Khansa.* Tehran: institution of national cultural and Tourism.

- Yasumarono, O., (2013). The Nihongi. William George Aston, London: Alex struik.

- Yenaga, T., (2013). *Yenaga Toyokichi's journey in Iran and Anatolia 1899-1900: Japan and opium trade at the end of nineteenth century plus official report of Yenaga about Iranian opium and the report of Kobota Shiro's journey in Iran.* Hashem Rajabzade & Kinji eura, Tehran: Tahuri.

- Yoshida, M., (1994). *Yoshida Masaharo's journey: the first Japanese legate to Qajar Iran 1880-1881.* Hashem Rajabzade & Kinji eura.Tehran: Astan Qods Razavi.

- Yusa, M., (2016). *Japanese religions.* Hasan Afshar, Tehran: Markaz.

- Zhang, X. L., (2006). *The materials for a history of Sino-foreign relations: from Parthian times to Timurid Shakrokh.* Zhang Hongnien.Tehran: institution of national cultural and Tourism.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.195]